



امیرکودری گروه رسانه

دسترس نبود، تلویزیون بزرگ‌ترین همراه کودکان بود و سریال‌هایی مثل «دانی و من»، «مجید دلبندم» و «زی‌زی گولو» توانستند بخشی از خاطره جمعی یک نسل را بسازند. هرکدام در قالبی متفاوت، پیامی از مهربانی، کنجکاوی، تخیل یا صمیمیت را منتقل می‌کردند و در دل ساده‌ترین روایت‌ها، جهان بینی خاصی برای کودک می‌گشودند. امروز نیز با وجود تغییر ذائقه و دگرگونی سبک زندگی، سریال‌هایی مثل «کارآگاهان کوچک» و «خانه پرتقالی‌ها» تلاش دارند دوباره دنیای کودک را در تلویزیون زنده نگه‌دارند. مقایسه میان آثار قدیمی و جدید نشان می‌دهد گرچه زبان و فرم تغییر کرده اما همچنان هدف اصلی ساختن جهانی شاد و یادگیرنده برای کودک‌است.

#### اهمیت همکاری در کارآگاهان کوچک

«کارآگاهان کوچک» از سریال‌های جدیدی است که بر پایه ماجراجویی و حل مسأله ساخته شده است. محور اصلی داستان گروهی از بچه‌های باهوش و پرنانزی هستند که در قالب یک تیم کارآگاهی، معماهای مدرسه یا محله خود را حل می‌کنند. این ساختار معمایی باعث شده کودک در جایگاه تماشاگر منفعل قرار نگیرد و در ذهنش همزمان با قهرمان‌ها برای کشف پاسخ تلاش کند. یکی از پیام‌های مهم سریال، اهمیت همکاری است. هر شخصیت توانایی خاصی دارد. یکی اهل تحلیل است، یکی از فناوری سر درمی‌آورد و دیگری جسور و پرشور است. نقش هیچ‌کدام حذف‌پذیر نیست و همین نگاه گروه‌محور، مفهوم کار جمعی و احترام متقابل را تقویت می‌کند. در دل همین ماجراهای ساده، کودک با مفاهیمی چون صبر، مشاهده دقیق، منطق و مسئولیت‌پذیری آشنا می‌شود. از نظر اجرا، رنگ بندی شاد، ریتم تند و لوکیشن‌های آشنا مثل حیاط مدرسه و کوچه، حس نزدیکی و صمیمیت ایجاد می‌کند. کارآگاهان کوچک درواقع تقلیدی از دنیای واقعی کودک ایرانی است، جهانی پر از سؤال، رفاقت، بازی و رقابت که در عین ساده بودن، مسیر رشد ذهنی و اجتماعی را هم در برمی‌گیرد. سریال کارآگاهان کوچک مجموعه‌ای سرگرم‌کننده و آموزنده ویژه کودکان و نوجوانان است که با محوریت ماجراجویی، حل معما و تقویت مهارت‌های فکری ساخته شده. داستان سریال درباره گروهی از بچه‌های باهوش و کنجکاو است که با تشکیل یک تیم کارآگاهی، به دنبال کشف رازها و حل معماهایی می‌روند که در



دانی و من

مدرسه، محله یا شهرشان رخ می‌دهد. هر قسمت ماجرابی تازه و یک معمای مستقل دارد و در پایان، بچه‌ها با همکاری و استفاده از توانایی‌های مختلف خود مسأله را حل می‌کنند. این سریال علاوه بر ایجاد فضایی هیجان‌انگیز، پیام‌های آموزشی مهمی مانند تقویت مهارت حل مسأله، اهمیت کار گروهی، مسئولیت‌پذیری، خلاقیت، تفکر منطقی و رعایت اصول اخلاقی را منتقل می‌کند. شخصیت‌ها معمولاً شامل رهبر گروه تحلیلگر، عضوی ماهر در فناوری، فردی با دقت بالا برای مشاهده جزئیات و کودکی شجاع و ماجراجو هستند که هر کدام نقشی مؤثر در پیشبرد داستان دارند.

کارآگاهان کوچک به‌دلیل محتوای سالم، داستان‌های جذاب و پیام‌های تربیتی، گزینه‌ای مناسب برای کودکان ۷ تا ۱۴سال و همچنین والدین و مربیانی است که به دنبال سرگرمی همراه با آموزش هستند. این مجموعه ذهن کودکان را فعال نگه می‌دارد، آنها را به دقت، تفکر و همکاری تشویق می‌کند و الگوهای مثبتی ارائه می‌دهد که می‌توانند با آنها ارتباط خوبی برقرار کنند.

#### فضاسازی تاریخی و معمایی در «خانه پرتقالی‌ها»

داستان سریال «خانه پرتقالی‌ها» حول یک خانه قدیمی و پراز می‌چرخد؛ خانه‌ای که سال‌هاست میان چند عضو خانواده مشترک است و هر کدام گذشته‌ای ناگفته و رابطه‌ای حل نشده با آن دارند. ماجرا زمانی آغاز می‌شود که بازگشت یکی از اعضای خانواده یا ورود شخصی تازه، سکوت و تعادل ظاهری خانه را به هم می‌زند. این حضور تازه باعث می‌شود رازهایی که سال‌ها پنهان مانده‌اند کم‌کم آشکار شوند؛ رازهایی مربوط به روابط خانوادگی، انتخاب‌های گذشته، عشق‌های

#### برش

### تغییر سلیقه کودکان دیروز با کودکان امروز

وقتی به این پنج مجموعه نگاه می‌کنیم، درمی‌یابیم هرکدام بخشی از روح و نیازنسل خود را نمایندگی کرده‌اند. «دانی و من»، «زی‌زی گولو» تخیل را بیدار کرد، «مجید دلبندم» صمیمیت خانوادگی را زنده نگه‌داشت، «کارآگاهان کوچک» تفکر و همکاری را آموزش داد و «خانه پرتقالی‌ها» تعاملات اجتماعی نسل جدید را بازتاب داد. در آثار دهه‌های ۶۰ و ۷۰ روایت به دنبال درونی‌سازی ارزش‌ها بود و مخاطب زمان بیشتری برای تأمل داشت اما در آثار امروز، ریتم تندتر و هدف غالباً جذب توجه سریع‌تر است. بااین حال هر دو جریان در نهایت در خدمت رشد فکری و



خاموش، کینه‌های قدیمی و اتفاقاتی که مسیر زندگی افراد را تغییر داده‌اند.

در طول داستان شخصیت‌ها ناچارند با حقیقت‌های فراموش شده روبرو شوند؛ حقیقت‌هایی که نه‌تنها سرگذشت خودشان بلکه سرنوشت کل خانواده را تحت تأثیر قرار داده است. سریال با ریتمی آرام اما پر از تعلیق، لایه‌های مختلف این گذشته پنهان را کنار می‌زند و نشان می‌دهد چگونه یک خانه می‌تواند حامل تاریخ، درد، عشق و رازهای یک نسل باشد.

بنابراین می‌توان گفت خانه پرتقالی‌ها یکی از مجموعه‌های تلویزیونی متفاوت و خوش ساخت سال‌های اخیر است که با فضاسازی تاریخی و داستانی معمایی، توانست توجه مخاطبان را به خود جلب کند. داستان سریال در بستری از روابط انسانی، رازهای پنهان و ماجراهای خانوادگی جریان دارد و همان‌طور که از نامش پیداست، خانه‌ای قدیمی و مرموز محور اصلی اتفاقات است. این خانه نه‌تنها یک ساختمان ساده بلکه نمادی از گذشته، خاطرات و رازهایی است که شخصیت‌ها را به یکدیگر پیوند می‌دهد. روایت سریال با ورود فردی خارجی یا بازگشت یکی از اعضای خانواده آغاز می‌شود و همین ورود، پرده از ماجراها و سوءتفاهم‌هایی برمی‌دارد که سال‌ها در پس سکوت و ابهام پنهان مانده است.

فضای سریال تلفیقی از حس نوستالژی و تعلیق است به‌گونه‌ای که مخاطب همزمان با شخصیت‌ها درگیر کشف حقیقت می‌شود. روابط میان اعضای خانواده، تضادهای نسل‌ها و یادآوری اتفاقات گذشته، بخش مهمی از پیشبرد داستان را تشکیل می‌دهند. هر قسمت با اشاره‌ای ظریف به گذشته یا آشکار شدن بخشی از یک راز، کنجکاوی مخاطب را افزایش



می‌دهد و کم‌کم تصویری کامل‌تر از شخصیت‌ها و انگیزه‌های آنها ارائه می‌کند. کارگردانی سریال تلاش کرده با استفاده از فضاهای سنتی، بازی‌های کنترل شده و ریتم آرام اما پرکشش، حال و هوایی یکدست و قابل باور خلق کند.

یکی از جذابیت‌های خانه پرتقالی‌ها پرداخت دقیق به شخصیت‌هاست. هر یک از افراد داستان گذشته‌ای دارند که بر رفتار و تصمیمات امروز آنها تأثیر گذاشته و همین گذشته‌های پنهان، تنش‌ها و کشمکش‌های اصلی روایت را می‌سازد. این سریال بیش از آن‌که بر اتفاقات پرهیجان متکی باشد، بر عمق روابط انسانی و رازهایی تمرکز دارد که سرنوشت یک خانواده را شکل می‌دهد. همین رویکرد باعث شده اثر حالتی احساسی، آمیخته با تعلیق و آرامش داشته باشد و برای مخاطبانی که به درام خانوادگی علاقه‌مندند جذاب ظاهر شود.

خانه پرتقالی‌ها از آن آثاری است که با تکیه بر فضای متفاوت، موسیقی گوش‌نواز و قصه‌ای ظریف و لایه‌دار توانسته جایگاه خودش را در میان سریال‌های تلویزیونی پیدا کند. این مجموعه یادآور این حقیقت است که گذشته هرگز کاملاً از بین نمی‌رود؛ فقط در گوشه‌ای از ذهن و زندگی شخصیت‌ها پنهان می‌شود و هر لحظه ممکن است دوباره ظهور کند و جریان زندگی آنها را دگرگون سازد.

#### فضای متفاوت سریال‌های قدیمی با تولیدات جدید

«زی‌زی گولو» برای دهه هفتاد‌ها معنایی ویژه دارد؛ موجودی صوتی، بامزه و مهربان که با جادوهای کودکانه‌اش اهل خانه را شگفت‌زده می‌کرد. این سریال تلفیقی از خیال و واقعیت بود؛ جهانی که در آن معجزه به بخشی از زندگی

احساسی کودکند؛ یکی باسادگی و آرامش، دیگری باهیجان و چالش. تفاوت میان آثار

قدیمی و جدید تنها در شکل روایت نیست بلکه در زبان بصری، نوع طنز و حتی جنس پیام‌ها هم بازتاب دارد. دهه شستی‌ها با قناعت و سادگی خو گرفته بودند. بنابراین شخصیت‌هایی مانند مجید دلبندم یا زی‌زی گولو برای‌شان نماد مهربانی و خلوص بود. کودکان امروز اما در جهانی پرسرعت با تحریک حسی بیشتر رشد می‌کنند. پس سریالی مثل کارآگاهان کوچک با ریتم تند و ماجراهای کوتاه‌تر بیشتر جذابیت دارد. خانه پرتقالی‌ها نیز پاسخی به نیاز جمعی نسل جدید است؛ نسلی که هویت خود را در میان گروه کشف می‌کند و دوستی را راهی برای فهم دنیا می‌داند. از سوی دیگر، بازگشت کارآگاهان کوچک به روحیه اکتشاف و پرسشگری نشان می‌دهد سازندگان هنوز به تربیت تفکر منطقی و حل مسأله در کودکان اهمیت می‌دهند.

# بازتعریف هویت ملی در عصر ارتباطات

«پویش پرچم» شبکه ورزش و نقش آن در تبدیل قهرمانان به سفرای هویتی ایران را مورد بررسی قرار دادیم

مانده است؛ پرچم در دست پهلوانان (چه اسطوره‌ای و چه ورزشی) به عنوان رمز اتحاد و پیروزی بر دشمنان (چه ضحاک افسانه‌ای و چه آمریکا و اسرائیل) عمل می‌کند.

#### چیستی و چگونگی پویش از منظر رسانه‌ای

از نظر مطالعات رسانه‌ای، هر «پویش» موفقی به سه چیز نیاز دارد: نماد، آیین و مخاطب. در پویش پرچم، نماد همان پرچم جمهوری اسلامی ایران است. آیین، ارتباط زنده تلویزیونی از میدان ونک تهران است که در آن پرچم «به‌صورت شبانه‌روزی و میان‌برنامه‌ای» در دست قهرمانان و مدال‌آوران رشته‌های مختلف جابه‌جا می‌شود؛ و مخاطب، جامعه ورزش دوست ایران است که این تصاویر را از ساعت ۱۰ صبح تا ۱۲ شب هر روز دنبال می‌کنند. اما چیزی که این پویش را از پویش‌های صرفاً تشریفاتی جدامی‌کند، رویکرد تحلیلی و گفت‌وگومحور آن است. برخلاف بسیاری از رویدادهای نمادین که فقط در سطح تصویر می‌مانند، این پویش فرصتی فراهم می‌کند تا قهرمانان ورزشی، فراتر از نقش نمادین خود، به سخنگویان «حس جمعی» ملی تبدیل شوند. این گفت‌وگوها از غرور نمایندگی ایران در میادین بین‌المللی گرفته تا دلنگنی‌ها و امیدهای مشترک را روایت می‌کنند و به این ترتیب، پویش را از یک «میان‌برنامه» ساده به یک «برنامه هویت‌ساز» تبدیل می‌کنند.

#### زنخبره افتخار؛ از فوتبال تا کشتی

پویش پرچم از ۷ اردیبهشت با حضور میرشاد ماجدی و هیات فوتبال استان تهران شروع شد و بعد از آن به ترتیب به خانواده‌های تکواندو، هندبال و کشتی رسید. این ترتیب، معنای روشنی دارد؛ در «زنخبره افتخار» ملی، هیچ رشته‌ای بر دیگری برتری ندارد؛ یک فوتبالبست، یک تکواندوکار و یک کشتی‌گیر همه در برابر پرچم برابرند. این همان راز موفقیت نماد پرچم در طول تاریخ است؛ پرچم متعلق به یک قشر یا صنف خاصی نیست، بلکه متعلق به «همه ایرانیان» است. در مرور روزهای گذشته پویش پرچم، تصاویر تماشایی بسیاری رقم خورده که هرکدام روایتگر بخشی از این



روزمره تبدیل می‌شد. نکته مهم در زی‌زی گولو، تکیه بر تخیل و تقویت خلاقیت است. کودک با دیدن این مجموعه باور می‌کرد که جهان می‌تواند مهربان‌تر باشد، مشکلات قابل حلند و حتی در سختی‌ها می‌شود لبخند زد. طنز دلنشین و رفتارهای کودکانه شخصیت اصلی موجب شد این سریال تا امروز در یاد‌ها بماند. زی‌زی گولو نشان داد فانتزی لزوماً فرار از واقعیت نیست بلکه دریچه‌ای برای بهتر درک کردن آن است اما «مجید دلبندم» نماینده طنز واقع‌گرا در تلویزیون کودک و نوجوان بود. شخصیت اصلی مردی است صمیمی و دلسوز که در تلاش برای کمک به دیگران گاه در دسر می‌سازد و گاه درس زندگی می‌دهد. طنز سریال از دل موقعیت‌های ساده و انسانی بیرون می‌آید بی‌آنکه به اغراق یا شوخی‌های تصنعی متوسل شود.

جذابیت این مجموعه در صداقت است. همه چیز در قالب زندگی روزمره جریان دارد؛ روابط خانوادگی، شغل، دوستی و اشتباهات که در نهایت به رشد اخلاقی تبدیل می‌شوند. هر قسمت خلاصه‌ای از تجربه انسانی است و پیام‌هایی مثل گذشت، صداقت و مهربانی در دل موقعیت‌ها جاری است بدون آن‌که مستقیم گفته شود. همین ویژگی، راز ماندگاری آن در ذهن بینندگان است.

از سوی دیگر «دانی و من» یکی از بهترین نمونه‌های آموزش غیرمستقیم برای کودک بود. دانی پسرچه‌ای پرسشگر است که هر روز با سؤالی تازه، دنیای اطرافش را کشف می‌کند. همراه او عمورحیم شخصیتی دانا و صبور است که با مهربانی و حوصله به سولات او پاسخ می‌دهد. این سریال با زبانی ساده اما علمی، کودک را به مشاهده دقیق و تفکر تشویق می‌کرد بی‌آن‌که از لحن معلمی استفاده کند. فضای ارتباط میان دانی و عمورحیم گرم، محترمانه و آموزنده بود؛ نمونه‌ای از رابطه آرمانی میان کودک و بزرگ‌تر که بر پایه گفت‌وگو و احترام متقابل شکل می‌گیرد. تماشای این مجموعه برای بسیاری از کودکان دهه ۷۰ تجربه‌ای دلپذیر و الهام‌بخش بود و به آنها یاد داد که سؤال پرسیدن آغاز دانایی است.

در مقایسه نهایی، «زی‌زی گولو» شاهراه خیال است، «مجید دلبندم» زبان صمیمیت، «دانی و من» مسیر آموزش تفکری، «کارآگاهان کوچک» بازی با ذهن و همکاری و «خانه پرتقالی‌ها» نمود تعامل اجتماعی در جهان مدرسه. این مجموعه‌ها هرکدام قطعه‌ای از پازل بزرگ دنیای کودکند و کنار هم تصویری کامل از مسیر رشد فرهنگی تلویزیون ایران ارائه می‌دهند.

از این رو می‌توان گفت جذابیت این آثار در آن است که هیچ‌کدام جای دیگری را نمی‌گیرند. هرکدام بر گوشه‌ای از دنیای کودکی نور می‌اندازند؛ یکی شادی را می‌سازد، دیگری اندیشه را و یکی تخیل را و دیگری مهربانی را. این تنوع همان چیزی است که باعث شده کودک ایرانی در هر دوره، اثری برای همذات‌پنداری داشته باشد و تلویزیون همچنان بخشی از خاطره جمعی نسل‌ها باقی بماند.



همان رؤیای دیرینه است؛ پرچمی که روزگاری در دست یک آهنگر (به‌عنوان نماد مردم عادی) علیه ستم برافراشته شد و قرن‌ها بعد، در دست یک ورزنه‌بردار، یک کشتی‌گیر یا یک دونده، همچنان رمز سربلندی، استقلال و اتحاد ملی باقی می‌ماند. امیدواریم رسانه‌ ملی بتواند این پویش را از یک رویداد زودگذر تلویزیونی به گفتمانی پایدار در عرصه عمومی تبدیل کند؛ پویشی که نقش اصلی خود را در ترسیم «افق روشن هویت ملی» به‌درستی ایفا کرده است.

همان‌طور که گفته شد، در نگاه اول، پویشی که شبکه ورزش را هانداندازی کرده، فقط یک «میان‌برنامه» تلویزیونی ساده به‌نظر می‌رسد اما در تحلیل رسانه‌ای، این پویش رویدادی عمیقاً نمادین و هویت‌بخش است که ریشه در نماد اسطوره‌ای و فرهنگی ایرانیان دارد؛ از درفش کاویان گرفته تا آیین‌های تحویل پرچم در رقابت‌های جهانی. این پویش با استفاده از رویکرد تحلیلی و گفت‌وگومحور، قهرمانان ورزشی را به سخنگویان حس جمعی ملی تبدیل می‌کند و به این ترتیب فاصله میان نماد (پرچم) و معنا (هویت ایرانی) را پر می‌کند. همین حالا هم می‌توان امیدوار بود که تداوم و گسترش این حرکت به دیگر عرصه‌های اجتماعی، ایران را به الگویی موفق برای بازتعریف رسانه‌ای هویت ملی در جهان امروز تبدیل کند.



زهرا عباسی گروه رسانه

بیخشند و مردم را به هم نزدیک‌تر کنند. «پویش پرچم» شبکه ورزش سیما را باید از همین جنس رویداد‌ها دانست؛ رویدادی که در آن پرچم ایران، دست‌به‌دست بین قهرمانان ورزشی می‌چرخد تا نه‌فقط یک حرکت نمادین، بلکه یک «آیین رسانه‌ای» تازه در تاریخ تلویزیون ایران باشد. در ادامه تلاش کرده‌ایم با نگاهی تحلیلی و با اشاره به نمونه‌های تاریخی و هویتی حمل پرچم در فرهنگ ایرانی، ابعاد این پویش را بررسی کنیم.

#### کهن‌الگویی در پویش رسانه‌ای

«دست‌به‌دست شدن پرچم» در فرهنگ ایرانیان پیشینه‌ای بسیار قدیمی‌تر از آن دارد که فقط یک حرکت تبلیغاتی تازه به حساب بیاید. در اسطوره‌های ملی ایران، مهم‌ترین و نمادین‌ترین پرچم، «درفش کاویان» است که ریشه در یک حماسه ملی دارد؛ کاوه آهنگر، برای اعتراض به ستم‌های ضحاک، پیشیند چرمی خود را روی یک نیزه کرد و آن را بالا برد تا ایرانیان را به قیام دعوت کند. همان پیشیند ساده، به نمادی از استقلال‌خواهی، مقاومت و اتحاد ملی تبدیل و بعدها با جواهرات و رنگ‌های ارغوانی و سرخ تزئین و به «درفش کاویان» معروف شد.

پویش پرچم شبکه ورزش را می‌توان بازسازی رسانه‌ای همین نماد اسطوره‌ای دانست. آنچه در اسطوره‌ها به شکل «دست کاوه آهنگر» پرچم را به اهتزاز درمی‌آورد و «دست‌به‌دست شدن» آن میان ایرانیان نشان‌دهنده همبستگی ملی بود، امروز در قاب تلویزیون، دست قهرمانان ورزشی این نقش را بازی می‌کند. تفاوت در بستر رویداد است اما پیام نمادین یکی

<sup>[1]</sup> «پویش پرچم» شبکه ورزش و نقش آن در تبدیل قهرمانان به سفرای هویتی ایران را مورد بررسی قرار دادیم